



۶- کتاب و تفسیر ۲۵ (۲۰) و جبر و ریاضت ۲۵ (۲۰) عدت و طهارت ۲۵ (۲۰) و صحت ۲۵ (۲۰)



۷- طهارت ۲۵ (۲۰) آداب ۲۵ (۲۰) ضیاع عمرت ۲۵ (۲۰) فرائط و تقوی ۲۵ (۲۰)

۸- جویندگی حقیقت (۲)

۹- بر آن ن معیار عمر خوات ۱۱، علی صبرین همان نمی توانستند هیچ اصل مثری بنام حقیقت

به عدت نظر کنند، بی حقیقت جنبه حضرتی و تقوی بار در دوس هر چه بیشتر در وقت عمل کنند برای او

حقیقتات (۲)

۱- تقوا همیشه فرای بر امت را از زیندها ن نخل فرشتان بر حد طهارت هر باید بر (۲) اعلامی

حوالان، به راه دور و واقف از سبب شد در احکامات بسیار از آنان که کبری تعلیم و تربیت بودند

بر اندیشه خود (۲) بر آن در مایه ای او با ابرعاهای مومنان طهارت در صبر برای دین و با ابرعاهای

در شد و اینها هم باعث توجه آن علیه او در احوال خود (۲)

۱۱- این صبح بیدار و خوش من برای جوانان خراب شد است و ما هم آنها نیز به دنبال من گمانند و از من بگفتند

و گفته و آرزای و تلا شفا همی در برانند، اول آنها که صدر از آنان قرار آید و در سواش گشته، به جای اعتراف

بنادان خود، درین ضمن گشته و می گویند: سواط جوانان را گمراه گشته (۱۵)

۱۲- آیا تو حقیقتاً تربیت جوانان از فرمایشی حضرت است؟ مدرس آری، سواط آنان که جوانان را تربیت کنند،

صبر است؟ ملتز به فرار: قانون / دوران این راهگاه اوقات بیان (اعضای اخین خود

اعضای اخین علی جوانان، سواط: بی سدی است که همه آفتاب خراس، جوانان را نشد و شریف

عبارت آورند، خود من؟ مدرس آری، سواط: حالانظرات در مورد تربیت است چیست؟

ملکس: البته نه، تنها آقای سرخس هستند که در مکه کا، از مردمانند.

سوال: پس این چهارم که در ترتیب جریان با هم بر یکدیگر می‌اندازند از ترتیب آب استرات،

زیر ترتیب آن از عمده‌ی هم‌نوا است و در ترتیب آب این ترتیب است. آیا تفاوتی

هستد؟ ملکس چرا این‌ها را می‌گوید؟ و ملکس! تو با اینها تفاوتی روشن کردی که هرگز به سائل

ترتیب جریان نیز باقی‌مانده در آن هیچ بصیرتی نداری و در این امر منتهی به راه‌های منتهی است که خود را

از آن به طریقی!! اراک

